

# نقش زیارت در تربیت اجتماعی

داود حسینی\*

## چکیده

زیارت یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های مذهبی است. در روایات شیعه بر زیارت اماکن مقدس و مزارات اولیای خدا و معصومین تأکید شده است. زیارت نقش مهمی در تربیت فردی و اجتماعی دارد. افرادی که بر این عمل مداومت می‌کنند، ثبات رفتار بالاتری دارند و هنگام مواجهه با تعارض‌ها، توانایی‌شان برای سازگاری با رفتارهای پذیرفته اجتماعی، بیشتر است. یکی از مهم‌ترین آثار تربیتی زیارت، ارتقای فرهنگ اجتماعی و آموزش نحوه حضور در جمع و ارتباط با دیگران است. نوع دوستی و دگردوستی از دیگر مؤلف‌های تربیتی زیارت است.

زائر، از طریق زیارت، با اماکن مقدس، مفاخر فرهنگی و پیشینه تمدنی آشنا می‌شود و چگونگی الگو گرفتن از زندگی آنان و تکریم و تعظیم ایشان را می‌آموزد. پرورش روح جمعی و کنترل رفتارهای اجتماعی، ابعاد دیگری از تربیت اجتماعی زیارت است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، تربیت، تربیت اجتماعی، زیارتگاه.

\* . دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و مدیر گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت.

## مقدمه

نقش دین، باورهای دینی و مناسک مذهبی در تربیت دینی مورد توجه محققان و دانشمندان جوامع مختلف قرار گرفته و تحقیقات متعدد و متنوعی را در پی داشته است که در نهایت، همه آنها نقش مثبت و مؤثر مسائل دینی و آموزه‌های مذهبی را در تربیت دینی و پرورش شخصیت تأیید کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۱ - ۱۳۲).

مذهب و آموزه‌های مذهبی یکی از نهادهای اساسی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت افراد و تربیت آنان در طول تاریخ و در جوامع مختلف بوده است. شناخت این عامل، به‌خصوص در رابطه با تربیت، ضروری است. توجه به مذهب و آموزه‌های آن، رویکردی جدید نیست؛ بلکه سالیان دراز است که توجه دانشمندان مختلف را - چه در جهت تجزیه و تحلیل و دلایل روی آوردن به مذهب و چه در جهت نحوه تأثیر آن بر رفتار فرد - به خود جلب کرده است. بخش عظیمی از روانشناسان معتقدند که تنها روزنه‌ای که می‌تواند ناراحتی‌های حاصل از تعارضات را حل، یا آنها را خنثی کند، امان به خدا و اعتقاد به مبدأ حقیقت و ارتباط با قدرتی مافوق بشری است؛ زیرا تنها نیروی الهی است که می‌تواند بر مشکلات فائق شود.

آموزه‌های دینی در ابعاد تربیتی، به‌ویژه تربیت اجتماعی، از چند جهت به انسان خدمت می‌کنند:

۱. تفسیری همه‌جانبه از حیات انسان به دست می‌دهند و خلأ زندگی را، با معنابخشی به همه لحظه‌های آن، از بین می‌برند؛
۲. حدود و حریم را در مناسبات با دیگران تعیین می‌کنند و در زمان بلا تکلیفی به کمک فرد می‌آیند و بستر لازم را برای ارتباط با افراد اجتماع در موقعیت‌های سخت، فراهم می‌سازند؛
۳. مجموعه‌ای از تکالیف تعریف می‌کنند که وظایف فرد را دقیقاً مشخص می‌کند تا بر اساس آن در موقعیت‌های بحرانی به پاسخ مناسب اقدام کند؛

۴. تنظیم کننده رابطه‌ای ویژه و استثنایی با پدیده‌های ماورای طبیعی‌اند و بدین ترتیب، سطحی از روابط ویژه، با منابع قدرت فراتر از مناسبات معمولی و زمینی را تنظیم می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۰ش، ص ۶۴).

## چیستی تربیت اجتماعی

صاحب‌نظران علوم تربیتی، تربیت اجتماعی را با تعابیر مختلف تعریف کرده‌اند:

بعضی از محققان تربیت اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی که به زندگی او در میان جامعه مربوط است؛ تا از این طریق، به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را در قبال دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمانان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند؛ به تعبیری دیگر آشنا ساختن متربی با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به اجرای وظایف خویش در عرصه اجتماعی (ر.ک: حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۵).

عده‌ای از محققان مباحث تعلیم و تربیت، در تعریف تربیت اجتماعی گفته‌اند:

تربیت اجتماعی، پرورش و هدایت فرد است، به گونه‌ای که متربی، با تمایل عاطفی، به زندگی اجتماعی و مسئولیت‌های الهی و انسانی خود در جامعه عمل کند و ضمن پایبندی به حقوق متقابل، از شرایط مساعد و تعامل برای رشد و تکامل خویش بهره‌گیرد (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵).

علی محمد کاردان در تعریف تربیت اجتماعی می‌گوید: «تربیت اجتماعی عبارت است از آشنا کردن فرد با هنجارهای اجتماعی و آماده کردن او برای زندگی اجتماعی» (علی محمد کاردان، ص ۱۴۵).

از تعاریف مزبور به دست می‌آید که محور تربیت اجتماعی از سویی حق، و از سوی دیگر تکلیف است؛ یعنی در تربیت اجتماعی، مرتبی ضمن آشنایی به حقوق خود، با وظایف و مسئولیت‌هایی که در قبال دیگران بر عهده دارد، آشنا می‌شود.

## اصول تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی نیز مانند سایر ابعاد تربیت، نیازمند مبانی و اصول خاص خود است که نقشه راه قرار گیرند و جهت‌گیری‌ها را مشخص، و رسیدن به اهداف را آسان کنند. در اینجا ابتدا به اصول تربیت اجتماعی اشاره می‌کنیم و سپس به نقش زیارت در تحقق تربیت اسلام در سایه این اصول می‌پردازیم.

### ۱. حفظ استقلال و ارتقای هویت فردی

اصل حفظ و ارتقای فردیت، بیانگر این است که تربیت اجتماعی باید مانع شود که آدمی چون عنصری بی‌اراده، تنها با شور جمعی حرکت کند. این، تنها صورتی کاذب و کاریکاتوری از اجتماعی بودن است. تربیت اجتماعی مستلزم حفظ فردیت و ارتقای آن است (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۸). از این رو حفظ و ارتقای فردیت آدمی، اصلی اساسی در تربیت اجتماعی به شمار می‌آید (همانجا). علی علیه السلام در اوصاف متقین، این تربیت یافتگان مکتب اسلام، می‌فرماید:

إِنْ كَانَ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَإِنْ كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ  
(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۴۴).

اگر در جمع غافلان باشد، نامش را در زمره ذاکران نویسند و اگر در میان ذاکران باشد، در شمار غافلانش نیاورند.

این سخن که اگر در میان غافلان باشد، در شمار ذاکران نوشته می‌شود، به وضوح نشان می‌دهد که حرکت او، ریشه درونی دارد و بر اثر فشار بیرونی نیست. همین حقیقت، در جمله

بعدی، به شکلی عمیق‌تر بیان شده است. اگر در میان ذاکرین باشد از جمله غافلین نوشته نمی‌شود. مگر ممکن است کسی در میان ذاکران باشد و در شمار غافلان در آید؟ آری، از جمله هنگامی که ذکر او، تنها هم‌آوایی با اطرافیان باشد؛ نه اینکه از درون خود او سرچشمه گرفته باشد.

در زیارت، فرد در عین آنکه در جمع است، فردیت خود را حفظ می‌کند. در میان ازدحام زائران به زیارت می‌پردازد؛ ولی گویی خلوتی را یافته است که با معبود خود نجوا کند. انسان‌ها در حالت عادی تمایل ندارند دیگران گریه آنها را ببینند و سعی می‌کنند این حالت خود را از دیگران پنهان کنند. ولی در زیارتگاه‌ها انسان‌ها با هر موقعیت اجتماعی که دارند، در مقابل مزور می‌ایستند و اشک شوق و نیاز می‌ریزند و این گریه برای هیچ کس تعجب‌انگیز نیست و خود زائر هم از این گریه در جمع احساس شرمندگی نمی‌کند.

## ۲. اتکا بر سنت و فرهنگ، و گزینش از آن

مفهوم اجتماعی بودن انسان به این معناست که افزون بر مدار فردی، مدار اجتماعی نیز دارد. سنت، فرهنگ و روابط اجتماعی، دامنه و بستری است که فرد در عرصه و میدان تأثیر آن قرار دارد. بر این اساس، تربیت اجتماعی، به نحو اجتناب‌ناپذیری، مستلزم این است که فرد، جایگاه خود را در دامنه سنت‌های اجتماعی و در بستر فرهنگی و روابط اجتماعی باز یابد. تربیت اجتماعی مستلزم رویکردی گزینشی از سنت و فرهنگ است. مریمان باید از مجموعه سنت و فرهنگ، دست به انتخاب مواردی بزنند که معقول‌تر و موجه‌تر است و فرد را در میدان تأثیر آن موارد قرار دهند (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۹).

علی علیه السلام در عرصه تربیت فرزند خود، امام مجتبی علیه السلام، این اصل را مورد توجه قرار داده و در آثار پیشینیان اندیشه کرده و بهترین آنها را برای فرزندش برگزیده است. آن حضرت می‌فرماید:

أَيُّ بَيْتِي إِيَّيْ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمِّرْتُ عُمِّرْ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي  
 أَخْبَارِهِمْ وَسِرَّتْ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَيْ إِلَيْهِ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ  
 عُمِّرْتُ مَعَ أَوْلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخَلَصْتُ  
 لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ [جَلِيلَهُ] نَخِيلَهُ وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَصَرَفْتُ عَنْكَ جَهْلُولَهُ وَرَأَيْتُ حَيْثُ  
 عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ وَاجْتَمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ... (صبحی الصالح،  
 ص ۳۹۳ - ۳۹۴؛ فیض الاسلام، نامه ۳۱).

ای فرزند، اگرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، در کارهایشان نگریده‌ام و در  
 سرگذشتشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام؛ تا آنجا که گویی خود یکی از  
 آنان شده‌ام و به پایمردی آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که پنداری از آغاز  
 تا انجام با آنان زیسته‌ام و دریافته‌ام که در کارها، آنچه صاف و عاری از شائبه است،  
 کدام است و آنچه کدر و شائبه‌آمیز است، کدام. چه کاری سودمند است و چه کاری  
 زیان‌آور. پس برای تو از هر عمل، پاکیزه‌ترین آن را برگزیدم و جمیل و پسندیده‌اش  
 را اختیار کردم و آنچه را مجهول و سبب سرگردانی تو شود، به یک سو نهاده‌ام. و  
 چونان پدری شفیق، که در کار فرزند خود می‌نگرد، در کار تو نگریستم و برای تو  
 از ادب، چیزها اندوختم که بیاموزی و به کار بندی.

بر اساس این سخنان، حضرت امیر علیه السلام، مسیر حرکت تربیتی را از میان فرهنگ و سنت  
 جامعه می‌داند. اما در این مسیر باید گزینش کرد و زیباترین‌ها را برگزید و در اختیار متربی  
 قرار داد.

امام در بخش دیگری از این نامه، علت انتخاب خود را برای تربیت اجتماعی فرزندش  
 بیان فرموده است:

ترسیدم که مبدا آنچه سبب اختلاف عقاید و آرای مردم شده و کار را بر آنان مشتبه ساخته،  
 تو را نیز به اشتباه اندازد. در آغاز نمی‌خواستم تو را به این راه کشانم؛ ولی با خود اندیشه کردم

که اگر امروز در استحکام عقاید تو بکوشم، بهتر از این است که تو را تسلیم جریانی کنم که در آن از گمراهی و هلاکت در امان نیستی. به آن امید بسته‌ام که خداوند تو را به رستگاری توفیق دهد و تو را در راه راست رهنمون نماید. پس به کار بستن این وصیتم را به تو سفارش می‌کنم (همانجا).

زیارت، برگرفته از فرهنگ و سنت جامعه است. همه جوامع بشری، بزرگان علمی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود را ارج می‌نهند؛ در حال حیاتشان به آنان احترام می‌گذارند و بعد از مرگ هم به روش‌های مختلف، آنان را بزرگ می‌دارند که ساختن بنای یاد بود بر مزار آنها، نام‌گذاری خیابان‌ها و مراکز علمی فرهنگی به نام آنها و حضور بر مزار آنها از جمله این موارد است.

اسلام این سنت و فرهنگ اجتماعی مردم را اجمالاً تأیید کرده، ولی دست به یک‌گزینش و پالایش زده و بخش‌های پسندیده آن را تقویت، و بخش‌های ناپسند آن را حذف کرده است. زیارت از مردگان باید روح توحیدی و عبرت‌آموزی داشته باشد و ارتباط انسان را با خدا تقویت کند. خواندن زیارت‌نامه بر مزار بزرگان نیز نباید با سخنان شرک‌آلود و خرافه همراه باشد.

### ۳. غلبه بر خودمحوری

با توجه به اینکه در مفهوم اجتماعی بودن آدمی، دو مدار فردی و اجتماعی، با استقلالی نسبی از یکدیگر، موجودند، به اصل دیگری در تربیت اجتماعی می‌پردازیم با عنوان «غلبه بر خودمحوری». مضمون اصل مزبور این است که، در تربیت اجتماعی، باید این امکان را برای فرد فراهم آورد که بر خودمحوری غلبه کند و با خروج از سلطه مدار فردی، بتواند در هر دو مدار فردی و اجتماعی حرکت کند. خودمحوری در این عرصه از تربیت می‌تواند، «هستی‌شناختی»، «شناختی» و «عاطفی و ارتباطی» باشد.

## الف) غلبه بر خودمحوری هستی‌شناختی

یعنی فرد، حال خود را معیار و معرف تدابیر الهی می‌داند؛ به جای آنکه تدابیر الهی را معیار و معرف حال و وضع خود بداند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنُ \* وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنُ﴾ (فجر: ۱۵ - ۱۶).

اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایشش، گرمی می‌دارد و نعمت می‌بخشد، [مغرور می‌شود و] می‌گوید: «پروردگارم مرا گرمی داشته است»، و اما هنگامی که برای امتحان، روزی‌اش را بر او تنگ می‌گیرد، [مأیوس می‌شود و] می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است».

خداوند به این داوری خودمحورانه چنین پاسخ می‌دهد:

﴿كَلَّا بَلْ لَا تَكْفُرُونَ الْيَتِيمَ \* وَ لَا تَحَاضُونَ عَلٰی طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ (فجر: ۱۷ - ۱۸).

چنان نیست [که شما می‌پندارید]، شما یتیمان را گرمی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید.

غلبه بر خودمحوری هستی‌شناختی، مستلزم تسلیم شدن در برابر قدرت و مشیت الهی است و این امر بازتاب اجتماعی دارد و در روابط اجتماعی، تأثیر می‌گذارد. علی علیه السلام در مورد خودمحوری هستی‌شناختی به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

وَ أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِيمِ إِلَّا عَلٰی مَا خَلَقَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی عَلَيْهِ مِنَ النَّعْمَاءِ وَ الْإِبْتِلَاءِ وَ الْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا نَعْلَمُ فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلٰی جَهَالَتِكَ بِهِ (صبحی الصالح، ص ۳۵۹).

و دنیا استقرار نیافته، مگر بر آن حال که خداوند برای آن مقرر داشته از نعمت‌ها و آزمایش‌ها و پاداش روز جزا یا امور دیگری که خواسته و ما را از آنها آگاهی نیست. اگر درک بعضی از این امور بر تو دشوار آمده، آن را به حساب نادانی خود گذار.



## ب) غلبه بر خودمحوری شناختی

مقصود از این گونه خودمحوری این است که فرد، در حد اطلاعات موجود در مدار فردی خود، محدود می ماند و امور را تنها از این دریچه می نگرد که ارزیابی نادرست او را در پی خواهد داشت و به تبع آن، در رفتار فرد هم تأثیر نامطلوب می گذارد. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نامه خود به مالک اشتر در مورد عواملی که موجب تأثیر نامناسب در رفتار والی، و به تبع آن، خودمحوری شناختی می شود، می فرماید:

وَأَمَّا [بَعْدَ هَذَا] بَعْدُ فَلَا تَطُولَنَّ اِخْتِجَابَكَ عَنْ رِعْيَتِكَ فَإِنَّ اِخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ وَقَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ وَالاِخْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اِخْتَجَبُوا دُونَهُ فَيُضْعَفُ عِنْدَهُمُ الْكِبِيرُ وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ وَيَقْبَحُ الْحَسَنُ وَيَحْسُنُ الْقَبِيحُ وَيُشَابُ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَإِنَّمَا الْوَالِي بِشَرِّ مَا لَا يَعْرِفُ مَا تَوَارَى عَنْهُ النَّاسُ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ وَ لَيْسَتْ عَلَيَّ الْحَقُّ سَمَاتٌ تُعْرَفُ بِهَا ضُرُوبُ الصِّدْقِ مِنَ الْكُذْبِ (همو، ص ۴۴۱، خ ۵۳)

روی پوشاندن از مردم به درازا نکشد؛ زیرا روی پوشیدن والیان از رعیت خود، گونه ای نامهربانی است به آنها و سبب می شود که از امور ملک، آگاهی اندکی داشته باشند. اگر والی از مردم رخ بپوشد، چگونه تواند از شوربختی ها و رنج های آنان آگاه شود. در چنین اوضاعی، چه بسیار بزرگی که در نظر، کوچک آید و چه خردهایی که بزرگ جلوه نمایند و زیبا، زشت، و زشت، زیبا نماید و حق و باطل در هم آمیزند؛ زیرا والی، انسان است و نمی تواند به کارهای مردم، که از نظر او پنهان مانده، آگاه شود، و حق را هم نشانه هایی نیست که به آنها انواع راست از دروغ شناخته شود.

تربیت اجتماعی مستلزم این است که فرد، افزون بر مدار فردی، در مدار اجتماعی نیز به گردش در آید و امور را از دریچه اجتماع و دیگران نیز بنگرد.

### ج) غلبه بر خودمحوری عاطفی و ارتباطی

خودمحوری عاطفی و ارتباطی یعنی فرد، اموری را که برای خود مطلوب یا نامطلوب می‌شمارد، به همان سان برای دیگران، مطلوب یا نامطلوب به شمار نمی‌آورد. تربیت اجتماعی وقتی محقق می‌شود که فرد بر این خودمحوری غلبه کند. همان گونه که علی علیه السلام در نامه خود به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّ بَنِي تَفَهَّمٌ وَصَبِيٍّ وَاجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَخْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ  
لِنَفْسِكَ وَاكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَلَا تَظْلِمِ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ  
يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ وَارْضَ مِنَ النَّاسِ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ  
لَهُمْ مِنْكَ (همو، ص ۳۹۷، خ ۳۱)

ای پسر من، سفارشم را درک کن. خودت را در آنچه بین تو و دیگری وجود دارد، میزان قرار بده. پس برای دیگران دوست بدار آنچه را برای خود دوست می‌داری، و برای دیگران ناپسند بشمار آنچه را برای خود ناپسند می‌دانی، و به کسی ستم مکن، همان‌طور که دوست نداری به تو ستم شود، و به دیگران نیکی کن، همان گونه که می‌خواهی به تو نیکی شود. آنچه را از دیگران زشت می‌شماری، از خود نیز زشت بدار. آنچه از مردم به تو می‌رسد و خشنودت می‌کند، سزاوار است که از تو نیز به مردم، همان برسد.

تربیت اجتماعی، زمانی محقق شود که متربی بتواند بر خود محوری‌ها غلبه کند. از این رو علی علیه السلام در نامه تربیتی خود به امام مجتبی علیه السلام بر ابعاد اجتماعی تأکید بیشتری دارد؛ زیرا می‌خواهد فرزند خود را برای ورود به اجتماع آماده کند.

### آموزه‌های تربیت اجتماعی زیارت

اصل دیدار و زیارت از خاصیت اجتماعی بودن انسان سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی انسان به طور ذاتی و فطری موجودی اجتماعی است، و یا نیازها او را وادار به زندگی اجتماعی کرده

است، و یکی از ارکان جوامع بشری همین دیدارهاست، چون در اثر دیدار، تفاهم ایجاد می‌شود.

هستی انسان، مجموعه‌ای از جسم و روح یا ماده و معناست و زیارت، عملی جسمانی و روحانی است؛ یعنی با جسم به دیدار می‌رود، ولی آثار آن نخست در روحیه او ظاهر می‌شود و انسان، با دیدار فیزیکی و جسمانی، احساس قرب روحانی می‌کند. بنابراین اساس زیارت، نوعی اتحاد روحی و قرب معنوی و روحانی است و چون انسان بعد مادی نیز دارد، با نزدیک شدن جسم، قرب روحانی و معنوی را احساس می‌کند.

انسان زائر به دیدار بهترین آفریده‌های خداوند می‌شتابد و اگر بتواند زیارت حقیقی داشته باشد و وجود مبارک امام و مربی خود را با چشم بصیرت و دیده اخلاص ببیند، اثری عمیق در جان و روح او خواهد داشت و لذت معنوی این دیدار، از بالاترین نعمت‌های خداوند است و روح زائر را در معرض تحولی عظیم قرار می‌دهد.

زیارت، برقرار کردن ارتباط قلبی با حجت خداست و زائر با قرار دادن جان خویش در حوزه روحانیت و فیض‌بخشی معصوم، بار معنوی، اخلاقی و تربیتی، پیدا می‌کند و حتی تحول اجتماعی می‌یابد و به سوی کمال قدم برمی‌دارد.

توحید و عرفان واقعی آن‌گاه در آدمی تبلور می‌یابد که از هرچه غیر خداست بُرد و دل را فقط به خدا پیوند زند. در آن حال، جز او نبیند و در هر چیزی او را ببیند.

دلی کز معرفت نور و صفا دید      زهر چیزی که دید اول خدا دید

در ادامه مقاله به آثار و نقش‌های زیارت در بعد اجتماعی می‌پردازیم.

### ۱. گسترش رفتارهای مهرورزانه

دین، فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها و محبت ورزیدن به سایر انسان‌ها را، که در زندگی ضروری است، آسان و دل‌نشین می‌سازد و حتی آنها را مایه سعادت و کمال انسان می‌شمارد.

اگر برای دین و معارف ارزشمند آن جز این اثری وجود نداشت، باز هم مهم‌ترین عامل حیات انسانی محسوب می‌شد (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

آپورت، روان‌شناس معروف شناخت‌گرا، در تبیین نظریه خود درباره شخصیت سالم و کمال یافته، شش معیار بیان می‌کند و آن را پایه و اساس وجود اجتماعی انسان معرفی می‌کند. دومین معیار از دیدگاه آپورت، داشتن ارتباط گرم با دیگران، یعنی برخورداری از صمیمیت و دل‌سوزی با آنهاست (همانجا).

زیارت انسان‌های برگزیده و مقدس و حضور در مراسم مذهبی دسته‌جمعی همراه با اجرای مراسم مشترک، نوعی یکپارچگی با احساس تعلق عمومی است که موجب نزدیک شدن انسان‌ها به هم، و تقسیم شادی‌ها و غم‌ها بین همه، و در نتیجه کاهش دردها و فشارهای روانی می‌شود. زیارت، به‌گونه‌های مختلف، زائر را تربیت می‌کند تا مهرورزی را بیاموزد و به دیگران محبت بورزد. در منابع اسلامی توصیه شده است زائر قبل از سفر با دوستان و آشنایان خود خدا حافظی کند:

حَقُّ عَيْ الْمَسْلُومِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ حَقُّ عَيْ إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ  
(حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۴۴۸).

مسلمانی که قصد مسافرت دارد، شایسته است برادران خویش را آگاه سازد. بر برادران او نیز لازم است هنگام بازگشت، به دیدن وی بیایند.

هنگام حرکت، صدقه بدهد (همان، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۷۵) و در حین سفر، به ناتوانان<sup>۱</sup> و هم سفران خود کمک کند،<sup>۲</sup> به نیابت از دیگران اعمال عبادی انجام دهد (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۴،

۱. هرکس، سالمندی را که در اسلام موی خود را سپید کرده احترام کند، خداوند او را از هراس روز قیامت آسوده خواهد کرد (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۸۸).

۲. پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که مؤمن مسافری را یاری دهد، خداوند ۷۳ ناراحتی را از وی دفع کند و در دنیا و آخرت او را از هم و غم پناه دهد و بلای بزرگی را که در روز اجتماع مردم (فردای قیامت) با آن روبه‌رو است، مرتفع سازد» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۴۳۰).

ص ۳۱۶-۳۱۷)، برای خانواده و نزدیکان هدیه بیاورد و برای سفر، ولیمه بدهد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۰۲). همه این توصیه‌ها زائر را تربیت می‌کند تا محبت و مهرورزی با هم‌نوعان خود را در اجتماع بیاموزد.

## ۲. ترویج دگردوستی

یکی از آموزه‌های اجتماعی زیارت، نوع‌دوستی و دگردوستی است. زائر با تحمل مشکلات، خود را به محضر انسان‌های برگزیده پروردگار می‌رساند و عشق و محبت خود را به ساحت آن ولیّ خدا ابراز می‌دارد. این عمل بالاترین درجه از نوع‌دوستی است.

اریکسون<sup>۱</sup> روان‌شناس اجتماعی، به هشت مرحله رشد برای انسان قائل است و مرحله ششم رشد را مرحله احساس تعلق (صمیمیت) می‌داند. او معتقد است انسان، بعد از پشت سر گذاشتن بحران هویت، به مرحله صمیمیت می‌رسد و به برقراری روابط صمیمی و صحیح با دیگر افراد، تمایل پیدا می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۸۳).

عالمان اخلاق برای دگردوستی، چهار شکل مختلف تصویر کرده‌اند:

یک- در بعضی موارد محبت انسان به دیگری و دوست داشتن او به خاطر ذات محبوب است، نه به این دلیل که این محبت، راهی برای رسیدن به محبوب است. چون خود او را دوست داشتنی و صاحب جمال و کمال می‌یابد و از مشاهده او لذت می‌برد، او را دوست دارد. گاهی نیز این قبیل دوستی به دلیل نوعی همگونی درونی و مخفی است؛ بدون اینکه زیبایی و کمالی در میان باشد. کشف اسرار پنهان این قبیل دوستی‌ها خارج از توان انسان‌های معمولی است. امام صادق علیه السلام درباره این نوع دوستی‌ها می‌فرماید:

الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُّجَنَّدَةٌ تَلْتَقِي فَتَشْتَامُ كَمَا تَشْتَامُ الْحَيْلُ فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِتْتَلَفَ وَ مَا تَنَآكَرَ مِنْهَا اِخْتَلَفَ (کوفی اهوازی، ص ۳۹۵).

1. Erik Homburger Erikson.

ارواح، سپاهیانی فراهم آمده هستند؛ با هم ملاقات می‌کنند و یکدیگر را می‌بویند؛ همان‌طور که اسب‌ها هنگام برخورد با هم، یکدیگر را می‌بویند. آنها که یکدیگر را بشناسند، با هم انس می‌گیرند و آنها که همدیگر را نشناسند، از هم جدا می‌شوند.

این گونه دگردوستی از نوع دوستی برای خداوند نیست. البته به‌خودی خود هم نکوهیده نیست. بلکه یکی از خواهش‌های نفسانی انسان است که اگر وسیله و مقدمه برای رسیدن به هدفی مذموم باشد، خود نیز نکوهیده و ردیلت خواهد بود.

دو- دگردوستی و محبت به دیگری وسیله و ابزاری برای رسیدن به محبوبی قرار گیرد که برای او منافع دنیوی دارد؛ زیرا انسان به وسایل و ابزاری که او را به محبوب می‌رساند - از این جهت که مقدمه رسیدن او به محبوب است - عشق می‌ورزد. بدیهی است که این قبیل دوستی‌ها نیز محبت برای خدا به شمار نمی‌آید.

سه- دوست داشتن دیگری وسیله‌ای باشد که او را به هدفی برساند که آن هدف برای او فواید و آثار مثبت اخروی دارد؛ مانند محبتی که سالک راه حق به استاد و مرشد خود دارد؛ زیرا هدف او تحصیل سعادت اخروی است و معلم، وسیله‌ای است که او را به این هدف راهنمایی می‌کند.

چهار- محبت به دیگران فقط برای خداوند، نه از آن رو که از علم یا عمل او بهرمنند شود یا او را وسیله رسیدن به هدف دیگری قرار دهد؛ بلکه به دلیل آنکه او با خداوند نسبتی دارد؛ نسبتی عام مانند اینکه بنده‌ای از بندگان خداوند است یا نسبتی خاص از قبیل اینکه او از مقربان درگاه الهی و از دوستان واقعی خداوند و خدمتگزاران در راه خداست. امام صادق ۷ درباره این گونه دوستی‌ها می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا جَاءَ إِلَيَّ مَسْجِدٍ فِيهِ أُنَاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ لَمَلَّتْ رُوحُهُ إِلَيَّ  
ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ (همانجا).

اگر انسان مؤمنی به سوی مسجدی رود که در آن انسان‌های زیادی هستند، ولی تنها

یک مؤمن در میان آنها هست، روح آن فرد مؤمن به سوی مؤمن ساکن در مسجد تمایل پیدا می‌کند تا در کنار او بنشیند.

از آثار چنین محبتی این است که محبت از محبوب به هر آنچه با او در ارتباط است، سرایت می‌کند و همه امور مرتبط با او ارزش پیدا می‌کند و برای محب دوست‌داشتنی می‌شود (نراقی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۸۴ - ۱۸۷).

زیارت معصومین علیهم‌السلام و ابراز دوستی به آنها باید از نوع چهارم باشد. البته مراحل قبل هم ممدوح و پسندیده است؛ ولی زائر، باید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان پاک و مطهر او را به خاطر نسبت خاصی که با خدا دارند و از مقربان در گاه خدایند، دوست بدارد. در زیارت آل یس این‌گونه عرض ارادت و دوستی می‌شود: «مَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۷۱)؛ «دوستی من برای شما خالص و بدون هیچ انگیزه غیر الهی است».

در زیارت عاشورا، محبت ما به اهل بیت: از خود اهل بیت فراتر می‌رود و به کسانی که دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام اند و اهل بیت نیز آنها را دوست دارند، نیز سرایت می‌کند: «إِنِّي سَلِمَ لِمَن سَالَمَ وَمَن لِي لِمَن وَالَاكُم» (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۶) یا چنین آمده است: «سَلِمَ لِمَن سَالَمَهُمْ، مَحَب لِمَن أَحَبَّهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۲۹۵).

زیارت با فراهم آوردن زمینه انس و الفت اجتماعی الهی، محبت اولیای الهی را در دل زائر پرورش می‌دهد و این محبت، به محبت خدا و بندگان منجر می‌شود. «وَمَن أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَن وَالَاكُم فَقَدْ وَالَى اللَّهَ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۳)؛ «کسی که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته، و کسی که ولایت شما را بپذیرد، ولایت خدا را پذیرفته است».

انسان به صورت فطری و نه به دلیل جذب سود یا دفع ضرر، انس و الفت با دیگران را دوست دارد و افراد به صورت طبیعی به یکدیگر گرایش دارند و از دوست داشتن دیگران لذت می‌برند. از دیدگاه مزلو، روان‌شناس انسان‌گرا، این دوستی، یکی از نیازهای اولیه انسان است.

در هرم نیازهای مزلو، دگردوستی سومین نیاز انسان است (شولتس، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۱-۱۲۴؛ بی‌ریا و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴ش، ح ۲، ص ۹۷۵؛ رضائیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

حضور در اماکن زیارتی موجب انس با دیگران می‌شود. به مجرد اینکه دو یا چند نفر با هم می‌پیوندند و وجه مشترکی پیدا می‌کنند - مثلاً با یکدیگر همسفر می‌شوند - با هم انس می‌گیرند و همدیگر را دوست می‌دارند. به همین دلیل در اسلام بر نمازهای جماعت، جمععه، عید فطر و قربان، و حج و زیارت، تأکید بسیاری شده است. این نوع اجتماعات تاحدودی موجب می‌شود مردم به اطاعت خدا خو بگیرند و اوامر و نواهی خدا برای آنها اولویت پیدا کند و عملاً آنها را بر خواسته‌های خود ترجیح دهند و به تدریج صفات نیکو، از جمله دگردوستی را در خود تقویت کنند (نراقی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۴۳ - ۱۴۴).

### ۳. بالایش، انتقال و ارتقای آداب اجتماعی

رفتن به زیارت اولیای خدا و قرار گرفتن در فضای نورانی حرم آنان و در جمع مردم باعث یادگیری شیوه صحیح تعامل با دیگران و تربیت اجتماعی می‌شود. یکی از مهم‌ترین منابع یادگیری انسان، آموزش اجتماعی است. بنا بر نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup> بندورا<sup>۲</sup> عوامل کنترل‌کننده رفتار انسان، نه نیروهای درونی است و نه محرک‌های محیطی؛ بلکه کارکردهای روان‌شناختی بر حسب تعاملی دوجانبه بین شخص و عوامل تعیین‌کننده محیطی، تبیین‌کننده رفتار انسان هستند (سیف، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱؛ کدیور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

در این نظریه، عمده‌ترین نوع یادگیری از راه مشاهده است. در این نوع یادگیری - بر خلاف یادگیری از راه شرطی شدن - تقویت و پاداش، موجب یادگیری نمی‌شود؛ بلکه یاد گرفتن از طریق مجاورت صورت می‌گیرد. وقتی فرد در محیطی قرار می‌گیرد و رفتار دیگران

---

1. social learning theory.

2. Bandura.



را مشاهده می‌کند، تصویرهایی از آن رفتار در ذهن او باقی می‌ماند و هنگامی که در موقعیت مشابه قرار می‌گیرد، آن تصویرها را از حافظه بازیابی کرده، همان رفتار را تکرار می‌کند. بر اساس این نظریه، نقش پاداش و تشویق صرفاً کمک به عملکرد یادگیرنده است (سیف، ۱۳۷۷ش، ص ۳۱۴).

به اعتقاد روان‌شناسان یادگیری مشاهده‌ای، اگر ما قادر نبودیم که در محیط اجتماعی مان، از طریق مشاهده رفتار و اعمال دیگران، به یادگیری بپردازیم، زندگی مان مختل می‌شد. در چنین حالتی، باید وقت و نیروی زیادی را برای کسب دانش، مهارت‌ها، و نگرش‌های مختلف صرف می‌کردیم و چه بسا در این کار با اشتباهات زیادی رو به رو می‌شدیم. اما خوشبختانه ما مقدار زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها، و سایر یادگیری‌هایمان را از راه مشاهده رفتار دیگران کسب می‌کنیم (همانجا).

در منابع دینی برای زیارت اماکن مقدس یا اولیای الهی، آداب ویژه‌ای توصیه شده است؛ از جمله غسل زیارت کردن (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۰۹)، لباس تمیز و پاکیزه پوشیدن، خود را خوشبو کردن، با وقار و سکینه راه رفتن (مجلسی، ص ۵۱۵)، هنگام ورود به حرم، اذن دخول خواندن (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۰۹) و ... این آداب، هم برای زائر آموزنده است و هم برای کسانی که آن را مشاهده می‌کنند. این آداب به زائر می‌آموزد که باید بهداشت عمومی و نظافت را در اجتماع رعایت کرد و در اجتماع با تکبر و غرور راه نرفت؛ همان‌طور که لقمان حکیم به فرزندش سفارش می‌کند: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸)؛ «با تکبر و غرور روی زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد».

زیارت به زائر می‌آموزد نباید بدون اذن حتی به مکان‌هایی که تصور می‌شود اماکن عمومی‌اند، وارد شد. رعایت این آداب از سوی خود زائر و مشاهده آن در رفتار زائرانی که خود را به رعایت این آداب مقید می‌بینند، بر اساس «نظریه یادگیری اجتماعی» آموزش دهنده آداب اجتماعی است.

یکی از آداب اجتماعی که در همه فرهنگ‌ها پذیرفته است و اهمیت زیادی به آن داده می‌شود، سلام کردن است. قرآن کریم می‌فرماید اگر بر کسی یا محلی وارد شدید، اولین ادب اجتماعی که باید رعایت کنید، سلام کردن به اهل آن است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَي أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور: ۲۷).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید، تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است. شاید متذکر شوید. رعایت این ادب اجتماعی تا آنجا اهمیت دارد که قرآن کریم می‌فرماید اگر کسی داخل خانه نبود به خودتان از جانب پروردگار سلام کنید:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَي أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ﴾ (نور: ۶۱).

و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشان سلام کنید؛ سلام و تحیتی از سوی خداوند؛ سلامی پربرکت و پاکیزه.

در زیارت معصومین علیهم‌السلام این ادب به طور غیر مستقیم به زائر آموزش داده می‌شود؛ چراکه زیارتنامه آنان با سلام بر اولیای مقرب خدا و مزور آغاز می‌شود.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَزُورًا قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ... (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۹، ص ۳۰۹).

سلام بر تو ای حجت خدا و ای پسر حجت خدا، سلام بر شما ای ملائکه خدا و زائران فرزند رسول خدا.

در زیارت می‌آموزیم که قدردان زحمات دیگران باشیم. از این رو ابتدا به پیامبران گذشته سلام می‌کنیم. آن‌گاه به رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام سلام می‌دهیم:

السَّلَامُ عَلَی آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ وَنُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ وَعِيسَى

رُوحِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَ مَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقًا... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۳۰۶).

افرادی که با فرهنگ زیارت آشنا هستند، وقتی مقابل حرم می‌رسند، ناخودآگاه می‌ایستند و ادب می‌کنند. همچنین هنگام خروج از حرم، به مزور پشت نمی‌کنند. این رفتار اجتماعی جزئی از شخصیت و شیوه رفتاری آنها شده است.

زیارت، شیوه گفت‌وگو در محضر انسان‌های بزرگ و نحوه تقاضا کردن از آنها را به زائر می‌آموزد و او را برای حضور در دیگر عرصه‌های اجتماعی تربیت می‌کند. هنگام زیارت و حضور در حرم معصومین: سفارش شده به آهستگی سخن بگویند و زیارتنامه را آهسته بخوانند و صدایتان را بلند نکنند. این توصیه در سفارش قرآن کریم به مسلمانان ریشه دارد که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ...﴾  
(حجرات: ۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را از صدای پیامبر بالاتر نبرید و در برابر او بلند سخن مگویید.

کسی که تربیت یافته مکتب زیارت است، خود را مقید می‌داند، آداب اجتماعی را در همه موقعیت‌ها رعایت کند و صدای خود را بی‌جهت بالا نبرد؛ زیرا این عمل را دور از ادب می‌داند. قرآن کریم، از قول لقمان، این رفتار ناپسند را تقیح کرده است: ﴿وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ...﴾ (لقمان: ۱۹)؛ «از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن)».

همچنین زیارت بر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی تأثیرگذار است. شخصیت هر فرد از پدیده‌های فرهنگی بسیاری اثر می‌پذیرد و تأثیر این پدیده‌ها به صورتی در عواطف و رفتار اجتماعی وی متجلی می‌شود. هر فرد از آغاز کودکی همان شیوه‌هایی را برمی‌گزیند که فرهنگ جامعه او ایجاد می‌کند. انسان ناگزیر است انتخاب‌ها و سلیق شخصی خود را با قید و بند

آداب و رسوم و خواسته‌های فرهنگ جامعه خویش مهار کند تا بتواند چون عضوی سالم و مقبول در جامعه زندگی کند.

وقتی پیروان اهل بیت، فرزندان خود را از خردسالی با حرم ائمه علیهم‌السلام آشنا می‌کنند، شخصیت اجتماعی او را در معرفی تأثیر فرهنگ و آداب حاکم بر آن فضا قرار می‌دهند. در نتیجه انگیزه‌های روانی و سلاقی زیستی وی با ارزشها و معیارهای فرهنگی آن محیط، منطبق می‌شود. شخصیت متعادل وقتی حاصل می‌شود که کششهای شخص با انتظارات جمعی توافقی یابد. در طی تکوین شخصیت بر حسب فرهنگی که شخص به آن تعلق دارد، بسیاری از امیال سرکوب می‌شود (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۸۱ - ۸۲).

#### ۴. آشنایی با هویت فرهنگی و تمدنی

زیارت بارگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام زمینه ارتباط زائر را با ریشه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم می‌کند. او می‌تواند ریشه‌های تاریخی پیدایش فرهنگ و تمدن دینی خود را بشناسد و از ویژگی‌های بارز و برجسته تمدن اسلامی آگاه شود؛ شخصیت‌های تمدن‌ساز را بهتر بشناسد و از جایگاه تمدن خود بین تمدن‌های دیگر شناخت دقیق‌تری پیدا کند. شواهد تجربی حکایت از آن دارد که مراسم مذهبی در شکل‌گیری هویت دینی و تمدنی تأثیر بسزایی دارد (دوران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷).

زائری که بر مزار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا یکی از ائمه معصوم علیهم‌السلام حاضر می‌شود یا بر آستان پاک پیشوای شهیدی بوسه می‌زند و سلام می‌دهد، با گذشته فرهنگی و میراث فکری و ریشه‌های معنوی خویش تجدید پیمان می‌کند؛ با کسانی که فرهنگ دینی، مذهبی و اعتقادی او را پایه گذاشته‌اند و برای ترویج آن کوشیده و در راه موفقیت آن، خون خود را نثار کرده‌اند.

همان‌طور که بازدید از مراکز تاریخی ملت‌ها انسان را با فرهنگ و تمدن آنها آشنا می‌کند، زیارت مشاهد کسانی که انسان با آنها رابطه و علقه مذهبی دارد و به آنها عشق می‌ورزد،

باعث احساس هویت برای زائر می‌شود؛ به گونه‌ای که از شیوه زندگی، اعتقادات و تفکرات خود احساس رضایتمندی کند.

همچنان که انتساب به پدر خوش نام و نیاکان شریف، انسان را از غلتیدن در دامان بدنامی و هتاک و هرزگی، تا حدود زیادی حفظ می‌کند و عامل کنترل حرکات و رفتار است، انتساب به دودمان پیامبر ﷺ و اهل بیت عصمت و شهادت راه خدا نیز چنین نقشی دارد.

امام سجاد علیه السلام به شبلی می‌فرماید:

فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶۸).

آیا وقتی که پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف خواندی، قصد کردی ابراهیم گونه نماز بخوانی؟

امام سجاد علیه السلام در این بخش از سخن خود شبلی را متوجه تمدن توحیدی می‌سازد. توجه پیدا کردن زائر به ابراهیم علیه السلام و شیوه بندگی او، یعنی نماز، توجه به تمدن و فرهنگ غنی حج و پایه‌گذار این تمدن بزرگ (ابراهیم علیه السلام) است (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

زائران مسلمان از سراسر جهان برای زیارت پیامبر ﷺ و خاندان او به مدینه مشرف می‌شوند؛ از ملیت‌های مختلف و فراتر از همه مرزهای اعتباری در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و بدون توجه به تفاوت‌های فردی، اجتماعی، ملیتی و فرهنگی، با ریشه اسلامی خود، یعنی پیامبر ﷺ، ارتباط معنوی پیدا می‌کنند. این حقیقت در عالم تشیع بروز و ظهور بیشتری دارد؛ زیرا شیعیان با بهره‌گیری از زیارتنامه‌هایی که از زبان معصوم صادر شده است، با شخصیت‌های تمدن‌ساز اسلام و متون و محتوای فرهنگ صادر شده از زبان آنان آشنا می‌شود.

غالب زیارتنامه‌ها ابتدا به معرفی شخصیت مزور اشاره دارد. در زیارت امام حسین علیه السلام در

اول ماه رجب این گونه امام حسین علیه السلام زیارت می‌شود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ  
 الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق،  
 ج ۳، ص ۳۴۱).

این عبارات، مفاخر اسلام را معرفی می‌کند و شخصیت مزور را به‌طور نسبی به زائر می‌شناساند. بخش‌های دیگر زیارتنامه‌ها به نقش سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی مزور اشاره می‌کند. در غالب زیارتنامه‌ها نقش ائمه معصومین علیهم‌السلام و امامزادگان در احیای معارف دینی این‌گونه بیان شده است:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ  
 الرَّسُولَ وَنَصَحْتَ لِلْأُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ  
 إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۹، ص ۲۹۷).

گواهی می‌دهم که به‌راستی تو نماز را برپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف  
 کردی و نهی از منکر نمودی و از رسول خدا تبعیت کردی و برای امت اسلام، ناصح  
 و خیرخواه بودی و کتاب خدا را شایسته تلاوت کردی و در راه خدا به حق، جهاد  
 کردی و مردم را با حکمت و سخنان نیک به‌سوی راه حق دعوت کردی، تا اینکه  
 به مقام یقین رسیدی.

در این بخش‌های زیارتنامه‌ها به نقش معصومین در احیا و ترویج فرهنگ اسلام  
 اشاره می‌شود.

فرهنگ زیارت سبب شده که نام امامان و امامزادگان فراموش نشود و در تاریخ زنده بمانند.  
 اما در سایر مذاهب اسلامی، که کمتر به زیارت اهمیت می‌دهند، از شخصیت‌های مؤثر در  
 فرهنگ و تمدن آنها نام و اثر اجتماعی کمتری باقی مانده است.

## ۵. کنترل و تغییر رفتارهای اجتماعی

انسان یا بر اساس طبع خود یا برای رفع نیازهایش به اجتماعی زیستن روی می آورد. همان طور که تعاملات اجتماعی می تواند در ایجاد رفتارهای خوب یا بد مؤثر باشد، متقابلاً محیط اجتماعی نیز می تواند با ایفای نقش نظارتی و کنترلی، در رفتار افراد تعدیل و تغییر ایجاد کند. پژوهش های مختلف نشان می دهند که مذهب نه تنها برای افراد حمایت اجتماعی فراهم می کند، بلکه به منزله عامل مهار اجتماعی نیز مطرح است. یکی از جامعه شناسان به نام «گورساج» معتقد است: «کسانی که مذهبی ترند، از آن جهت که مذهب چهارچوبی برای حمایت اجتماعی از آنها فراهم می کند، کمتر گرفتار ناهنجاری های اجتماعی می شوند» (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰).

بر اساس برخی پژوهش ها مؤلفه های دینی مانند نماز، روزه، ماه رمضان، حج و زیارت و...، نقش مهمی در پیشگیری از جرم و جنایت و دیگر ناهنجاری های اجتماعی دارد. کونینگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۴م) در بررسی ارتباط مذهب با سلامت روانی و دوری از ناهنجاری های اجتماعی، ثابت کرد که مذهب برای افراد در برابر عوامل مخرب و زیان آور محیطی، سپری دفاعی ایجاد می کند. وی با بررسی نوشته های متون مذهبی مسیحی و یهودی اظهار می دارد که احادیث و عقاید و رسوم مذهبی، سلسله گسترده ای از آثار مثبت، خوب و استحکام بخش روان شناختی در افراد بزرگسال ایجاد می کند.

کونینگ (۱۹۹۸م) با تحقیقی میدانی، نقش مقابله های مذهبی و میزان تأثیرگذاری مسائل عبادی را در گروهی ۴۵۵ نفره مطالعه کرد و این نتایج را به دست آورد: ۴۲ درصد افراد تصریح کردند که یک یا چند عامل مذهبی، آنان را در زندگی به طور کل، کمک کرده است. ۷۳ درصد اظهار کردند که از مذهب و اعمال مذهبی، به عنوان برنامه ای برای مقابله، بهره می گیرند (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰).

1. Koenig , h.g.

موریس دبس<sup>۱</sup> (۱۹۸۳م) با بررسی تأثیر زیارت مکان‌های مقدس بر رفتار انسان به این نتیجه دست یافت که جوّ مذهبی موجود در این مکان‌ها، با ایجاد امیدواری و تقویت ایمان افراد، موجب کاهش رفتارهای مشکل‌آفرین می‌شود (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). فضای روان‌شناختی این اماکن مقدس با دیگر فضاها متفاوت است و این تفاوت‌ها بر رفتارها و عکس‌العمل‌های افراد، تأثیر می‌گذارد (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰).

بنابراین در تبیین روان‌شناختی نقش زیارت در تغییر و کنترل رفتار می‌توان گفت آموزه‌های دینی، مانند زیارت، که تأثیرشان درونی است، در مقایسه با عوامل بیرونی، قدرت بازدارندگی بیشتری دارند.

تبیین روان‌شناختی دیگری که می‌توان از زیارت و نقش آن در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و فردی داشت، این است که انسان نیازمند احترام است و این نیاز، در هرم نیازهای مزلو، اهمیت ویژه‌ای دارد. برآورده شدن این نیاز، هم احترام دیگران را می‌طلبد و هم احترام فرد را به خودش؛ چون او از نقاط قوت و ضعف خود، شناخت واقع‌بینانه‌تری دارد که او را ناگزیر می‌کند تا همواره برای ایجاد نوعی ارزشیابی ثابت و استوار و معمولاً مثبت از خود، بکوشد و خود را نیازمند پایدار ماندن این ارزشیابی، هم در نگاه خود و هم در نگاه دیگران، ببیند.

در فرهنگ دینی، زیارت خانه خدا و قبور رسول خدا و خاندان مطهر او ارزش دینی و اخلاقی بسیاری دارد، و منسوب شدن به آن ذوات پاک، ارزش اجتماعی ویژه‌ای را برای فرد به همراه می‌آورد و افرادی را که به زیارت این اماکن مشرف می‌شوند، با عناوین خاص مانند حاجی، کربلایی و مشهدی خطاب می‌کنند و احترام و منزلت خاصی برای آنان قائل‌اند. در واقع زائر از کرامت و عزت برخوردار می‌شود و این امر مایه ایمن‌سازی و بازدارندگی فرد در مقابل ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌شود (افروز، شماره ۴۹، ص ۲۷).

در منابع اسلامی به نقش مؤلفه‌های دینی در بازداری انسان از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی اشاره شده است. قرآن کریم درباره نماز می‌فرماید:

1. Maurice Debesse .



﴿وَأْتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت: ۴۵).

و آنچه را از کتاب [آسمانی] به تو وحی شده است؛ تلاوت کن و نماز را بر پا دار  
که نماز، [انسان را] از زشتی‌ها و اعمال ناپسند باز می‌دارد.

زیارت اولیای خدا نیز مانند نماز و یاد خدا انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد و شخصیت  
انسان را متحول می‌کند.

در دعای بعد از زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام از خداوند این گونه تقاضا داریم:

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَجْبَانِكَ مُنْجِحاً قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذُّنُوبِ وَ  
سَتَرَ الْعُيُوبِ وَ كَشَفَ الْكُرُوبِ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸،  
ص ۲۱۹؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۴).

مرا از کسانی قرار ده که از زیارت مشاهد دوستانت بازمی‌گردند، در حالی که  
رستگاری یافته، مستحق بخشش گناهان و پوشاندن عیب‌ها می‌شوند و سختی‌های آنان  
کشایش می‌یابد، و تو اهل تقوا و بخشش هستی.

در زیارت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام از خداوند می‌خواهیم تا با بهترین حال، یعنی رستگار  
شده، در سلامت روح و روان و راه یافته به سوی زندگی عزت‌آفرین از حضور مزور برگردیم:  
«وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً مُنْجِحاً غَانِياً، مُعَافَاً غَنِيّاً، فَائِزاً بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ كِفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا  
يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ رُؤَاكُمُ وَ مَوَالِيكُمُ، وَ مُحِبِّكُمُ وَ شَيْعَتِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۴).

## ۶. پرورش روح جمعی

انسان، افزون بر هویت فردی و شخصی، دارای هویت و رسالتی جمعی است و بخشی از  
شخصیت خویش را به وسیله تعامل با سایر انسان‌ها در جامعه کسب می‌کند (فرهنگی، ۱۳۷۴،  
ج ۲، ص ۱۰۷). پرورش روح جمعی در افراد نیز یکی از اهداف تربیت تلقی می‌شود؛ به طوری  
که ایجاد روح جمعی و احساس مسئولیت در برابر جامعه مسلمین، می‌تواند راه را برای  
رسیدن انسان به رشد و کمال مورد نظر هموار سازد.

در روایات به مواردی از قبیل کمک به همسفران، حسن خلق، عفو، کظم غیظ، حلم، مدارا و سازگاری، نرمی، تواضع و مشورت با آنان توصیه شده است که اینها و مواردی از این دست، بیانگر اهمیت این موارد و نیز توجه فراوان ائمه: به پرورش روح جمعی در مؤمنان است؛ به ویژه سفرهای زیارتی مانند حج و زیارت عتبات عالیات که به صورت جمعی انجام می‌شود؛ چه اینکه جامعه‌شناسان با پژوهش‌های فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که سازگاری اعضای گروه، بر دامنه همکاری آنان و یگانگی گروهی می‌افزاید (نیم‌کوف، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸-۱۶۰).

به منظور اینکه محیط جمعی مطلوب و مناسب برای تربیت افراد صالح و مؤمن، ایجاد شود و در نتیجه طی طریق به سوی رشد و کمال مطلوب امکان‌پذیر گردد، احساس مسئولیت همه در برابر مسائل و مشکلات جمع، ضروری است. ائمه علیهم‌السلام در مقاطع مختلف بر این مسئله مهم تأکید کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی سفارش‌های لقمان را برای فرزندش، چنین بیان فرموده است: هنگامی که با جمعی مسافرت کردی، در کار خود با آنان مشورت کن؛ در برخورد با آنان متبسم باش؛ از خوراکی‌های همراه خود به آنان ببخش؛ اگر تو را به چیزی دعوت کردند، بپذیر؛ اگر از تو درخواست کمک کردند، به آنها کمک کن؛ اگر تو را بر امر حقی شاهد گرفتند، برای آنان شاهد شو؛ هنگامی که با تو مشورت کردند، در ارائه نظر صواب، کوشش کن (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۸، ص ۳۴۸؛ برقی، ۱۳۲۶ش، ج ۲، ص ۳۷۵).

این توصیه اخلاقی اجتماعی به رعایت روابط اجتماعی در سفر و نقش آن در تربیت اجتماعی فرد اشاره شده است. تربیت اجتماعی به وجود شرایط اجتماعی مناسب و مطلوب بستگی دارد. از این رو ایجاد شرایط مطلوب یکی از وظایف مریبان و عوامل تربیتی جامعه است و زیارت، به عنوان یکی از عوامل تربیتی، می‌تواند در ایجاد این فضا مؤثر باشد. از نظر ائمه علیهم‌السلام پرستش خدا تنها به عبادت ظاهری فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه عبادات

واقعی آن است که به حال دیگر افراد جامعه، مفید و نافع باشد و عابدترین مردم کسی است که بیشتر از بقیه به مردم جامعه اسلامی سود برساند.

امام صادق علیه السلام خدمت به خلق خدا و احساس تکلیف در مقابل رفع مشکلات آنها را در زمره بهترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ؛ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ (همانجا).

بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیرخواه باشی که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی.

برنامه زیارت می‌تواند در ایجاد و رشد روح جمعی نقش مؤثری داشته باشد. به زائر سفارش شده که در زیارت، برای والدین، مؤمنین، دوستان و کسانی که طلب دعا کرده‌اند، دعا کند؛ چنان‌که در دعای عهد می‌گوییم:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمَهَادِيَّ، الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ  
الطَّاهِرِينَ، ... عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَعَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الصَّلَوَاتِ ...  
(ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶۴؛ کفعمی، ص ۸۲).

زیارت، زائر را تربیت می‌کند که فقط خود را نبیند؛ بلکه به دیگران هم بیندیشد و صلاح و رستگاری دیگران هم دغدغه فکری او باشد و همان‌طور که در زیارت، بهترین‌ها را برای خود از خدا طلب می‌کند، برای دیگران نیز همان‌ها را از خدا بخواهد.

صدقه دادن به تهیدستان و نیازمندان از دیگر آداب زیارت است (شهید اول، ۱۲۶۹ق، ج ۲، ص ۱۷۰)؛ یعنی زائر در کنار زیارت و عبادت بدنی، باید در جهت فقرزدایی از جامعه اسلامی تلاش کند و رفع نیازهای اولیه مسلمانان، وجهه همت او باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

وَمِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعُ وَيَجُوعُ أَخُوهُ وَلَا يَرْوِي وَيَعْطَشُ أَخُوهُ وَلَا يَلْبَسُ  
وَيَعْرِى أَخُوهُ... (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷۰؛ کوفی اهوازی، ص ۴۲).

حق مسلمان بر مسلمان این است که او سیر نباشد و برادرش گرسنه باشد و او سیراب، و برادرش تشنه، و او پوشیده، و برادرش برهنه باشد.

این حقوق در زیارت ایجاد می‌شود و ادای آنها روحیه مسئولیت‌پذیر و اجتماعی بودن را در زائر تقویت می‌کند، تا مؤمنان در مورد ادای حقوق متقابلی که به حکم وظیفه دینی بر عهده دارند، احساس مسئولیت کنند و برای دوام و استمرار حیات طیبه جامعه اسلامی بکوشند.

### ۷. آموزش تعظیم مفاخر دینی و آثار مقدس

انسان‌ها به طور فطری پیشوایان دینی و رجال خدمتگزار سیاسی و اجتماعی را، در حال حیاتشان، بزرگ می‌شمارند و به صور مختلف به آنها ادای احترام می‌کنند؛ برای آنان نکوداشت برپا می‌کنند و به‌عنوان مفاخر علمی، دینی، فرهنگی و ملی به ملت خود و جهانیان معرفی‌شان می‌کنند. به همین منوال، پس از مرگ آنان نیز به تعظیم و تکریم آثار آنها می‌پردازند و برای ادای احترام و بیان محبت خود به آنها، برای آنان بناهای یادبود می‌سازند؛ تندیس یادبود نصب می‌کنند؛ نام آنان را بر مراکز علمی، فرهنگی و خیابان‌ها می‌گذارند و بر قبور آنها حاضر می‌شوند.

این رفتارها نشان می‌دهد که تکریم انسان‌های برجسته و صاحب کمال، حتی بعد از مرگشان، همچون پرستش و عبادت، در فطرت بشر ریشه دارد؛ به عبارت دقیق‌تر، تعظیم و بزرگداشت بزرگان در گذشته، همگانی و فطری است و با انگیزه‌ای درونی انجام می‌گیرد و مخصوص قوم و ملت خاصی نیست. در حقیقت، تعظیم بزرگان از بزرگداشت دین، فرهنگ، علم و کمال برمی‌خیزد؛ یعنی مفاهیم والای انسانی که نزد همه آدمیان - از هر نژاد و دینی که باشند - محترم و مقدس است و در سرشت انسان ریشه دارد، باعث ساختن معابد و زیارتگاه‌ها در دنیا شده است (رکنی، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

زیارت، یکی از روشن‌ترین روش‌های تربیت انسان‌ها برای تعظیم مفاخر دینی و ملی، و اماکن مقدس است؛ زیرا افراد با حضور در محل زیارتی و انجام دادن آدابی خاص همراه با خواندن ادعیه بر مرقد بزرگان دینی یا ملی، به تکریم انسان‌های برجسته و صاحب کمال می‌پردازند.

حرکت گروهی به سوی مکان‌های مقدس برای ستایش آفریدگار و احترام گزاردن به اولیای خدا از انگیزه‌ای طبیعی و درونی ناشی می‌شود. اعتقاد به خداوند و پذیرش پیشوایان دینی به عنوان بزرگ‌ترین مصلحان بشری، و احترام به آنها و اجرای رسوم و آیین‌های مذهبی، اموری فطری است که قبل از هر تبلیغ و تعلیمی، دست خلقت در نهاد آدمیزاد نهاده است. برای یافتن درکی صحیح از واقعیت زیارت و دانستن اینکه عبادتی صرفاً اسلامی نیست، کافی است بدانیم که این سنت در همه ادیان و مذاهب وجود دارد؛ اما ممکن است شکل آن و اماکن و اشخاصی که زیارت می‌شوند، متفاوت باشد.

یکی از آداب مذهبی در مسیحیت، زیارت اماکن مقدس است و فلسطین، اولین زیارتگاه آنان بوده است. سپس در شهرهای اروپا، مقابر قدیسیں نیز به زیارتگاه مسیحیان تبدیل شد. در قرون وسطا، کاروان‌های عظیمی از قلب اروپا برای زیارت بیت‌المقدس به راه می‌افتادند که با مشکلات و سختی‌های بسیار، مسافت زیادی را طی می‌کردند تا خود را به اورشلیم برسانند (روزنامه قدس، ۸۲/۱۱/۱۵).

بیت‌المقدس برای یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، مقدس، و زیارتگاه است. از زیارتگاه‌های مسلمانان در این شهر می‌توان به قبه‌الصخره و مسجدالاقصی اشاره کرد. دیوار ندبه نزد یهودیان، مقدس است و مسیحیان، مخصوصاً کلیسای قبر مقدس را تقدیس می‌کنند. کلیساها و زیارتگاه‌های زیادی در اورشلیم وجود دارد که هر یک، یادگار یکی از قدیسان یا یکی از حوادث مذکور در کتاب مقدس است.

سابقه اورشلیم دست‌کم به پانزده قرن پیش از میلاد بازمی‌گردد. قدمت این زیارتگاه، تا حد زیادی گستره زیارت را در بعد زمان، آشکار می‌کند.

اگر دقیقاً به فلسفه زیارت مقابر مهم و اماکن مقدس در دنیا توجه کنیم، درمی‌یابیم که هم‌اکنون نیز دنیای به اصطلاح متمدن، نه‌تنها خود را از زیارت بی‌نیاز نمی‌داند، بلکه فطرتاً تعظیم قبور و اماکن مقدس را برای ارضای غریزه درونی، ضروری می‌داند.

حقیقت زیارت در اسلام، چه در حیات مزور و چه در ممات او، با انگیزه مقدس انجام می‌گیرد. زیارت در اسلام فقط یک دیدار نیست؛ بلکه تربیت شیوه عشق ورزیدن است. جایگاه معنوی مزور است که زائر را به سوی مزور می‌کشاند.

عشق به رسول خدا ﷺ اویس قرنی را وا داشت تا برای زیارت به مدینه سفر کند. چون به مدینه رسید، آن حضرت در مدینه نبود. اویس توقف کوتاهی در مدینه داشت و به سفارش مادرش، زود بازگشت. پیامبر اکرم ﷺ پس از بازگشت به مدینه فرمود:

تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قِبَلِ قَرْنٍ، وَاشْوَقَاهُ إِلَيْكَ، يَا أُوَيْسَ الْقَرْنِيُّ، أَلَا وَمَنْ لَقِيَهُ فَلْيُقِرَّهُ  
عَنِّي السَّلَامَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۱۵۵).

نسیم بهشت از جانب قرن می‌وزد. [سپس به دیدار اویس قرن اظهار شوق کرد و فرمود:] «ای اویس قرنی، چقدر به دیدار تو مشتاقم! هر کس او را ملاقات کرد، سلام مرا به او برساند».

در واقع جایگاه عظیم رسالت رسول گرامی اسلام ﷺ و دیدار خاتم پیامبران، اویس قرنی را بر آن داشت مسیر طولانی یمن تا مدینه را طی کند تا رسول خدا ﷺ را ملاقات کند.

نمونه دیگر از تعظیم اماکن مقدس به وسیله زیارت در صدر اسلام، سفر معراج پیامبر ﷺ است که در آغاز به مسجدالاقصی رفت: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء: ۱-۲). قرآن کریم فلسفه سفر به این سرزمین را نشان دادن آیات خداوند و تعظیم جایگاه انبیا که از این سرزمین برخاستند و در این سرزمین مدفون شدند، معرفی می‌کند.

رسول اکرم ﷺ پس از دیدار آن مکان مقدس، که یادگار انبیا گذشته است، به معراج صعود کرد. بنا به نقل بعضی تواریخ، آن حضرت در همین سفر، زیارتگاه‌های زمین را هم زیارت کرد (حسینی، ۱۳۶۴، ص ۶۲).

خداوند با آنکه می‌توانست آغاز معراج پیامبر ﷺ را از مسجدالحرام قرار دهد، اما این

حرکت را به سوی مسجدالاقصی قرار داد تا عظمت آن سرزمین مقدس را یادآوری کند. پس از رحلت پیامبر ﷺ، مسلمانان برای تعظیم رسول خدا ﷺ و آثار باقی مانده از آن حضرت به زیارت رسول خدا ﷺ و مسجدالنبی روی می آوردند. بلال حبشی مؤذن رسول گرامی اسلام ﷺ به خاطر زیارت رسول خدا ﷺ از شامات به مدینه سفر کرد تا قبر شریف رسول خدا ﷺ را زیارت کند (امینی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۴۶-۱۴۷).

زیارت قبور بزرگان به زائر یادآوری می کند که او دارای پیشینه عظیم فرهنگی است و در مکتبی که او از آن پیروی می کند، شخصیت های بزرگی رشد یافته اند که نه تنها باعث افتخار مسلمانان، که موجب فخر بشریت اند و در تحول فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی انسان ها نقش آفریده اند.

وَلَا خَلْقُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكِبْرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۳-۶۱۴).

[هیچ کسی باقی نمی ماند] جز اینکه خداوند به او بشناساند جلالت و قدر و عظمت مقام و بزرگی منزلت و کامل بودن نورتان را، و درستی منصب ها و پا برجا بودن تنان را [در طاعت حق]، و شرافت جایگاهتان و منزلت شما را در پیش خود، و مقام گرامی شما را، و خصوصیتی که نزد او دارید و جایگاه نزدیکی که نسبت به او دارید.

زیارت به زائر می آموزد شخصیت هایی که آنها را زیارت می کند، افسانه و ساخته ذهن ها نیستند. همچنین اماکن مقدس بر اساس خرافات شکل نگرفته اند. بلکه گذشته ای درخشان و تأثیرگذار در تاریخ بشر دارند. اجتماع چند میلیونی انسان های موحد از سراسر جهان در سرزمین وحی و صحراهای محدودی مانند عرفات، مشعر و منا عظمت این اماکن را به حاضران و مشتاقان آنها از یک سو، و ناظران جهانی از سوی دیگر نشان می دهد.

در بررسی تاریخی زیارت به این نکته مهم و اساسی واقف می شویم که مدفن پاک حضرت محمد ﷺ، مرکز تبلیغ مکتب اسلام بود و ائمه علیهم السلام، پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ

مسجدالنبی را پایگاه دین و معرفت توحیدی و مرکز اسلام و نشر معارف آن قرار دادند؛ همچنان که در زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بود.

به طور کلی، یکی از نکات جالب توجه در زندگی امامان شیعه، که کم‌تر در آن دقت شده است، ماندن آنها در مدینه است. آنان نزد مشعل فروزان بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم درس حرکت و قیام، و راه عشق و عرفان می‌آموختند و هنگامی که به اجبار یا به ضرورت می‌خواستند از مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله دور شوند، باز هم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتند و با زیارت خویش مردم را بیدار می‌کردند و چهره دشمنان اسلام را از این طریق رسوا می‌نمودند (حسینی، ۱۳۶۴، ص ۶۳).

امام حسین علیه السلام هنگامی که بر اثر فشار یزید مجبور شد از مدینه به مکه پناه برد تا با خلافت کفر و نفاق بیعت نکند، در روزهای آخر چندین بار بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و با آن حضرت وداع کرد. امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز قبل از زندان و تبعید با زیارت وداع جد بزرگوارشان، حقانیت خاندان علی علیه السلام را اثبات، و دشمن را رسوا کردند.

در اغلب زیارتنامه‌های معصومین: ابتدا به پیامبران گذشته سلام داده می‌شود (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۸؛ مجلسی، ص ۵۴۷) که یکی از دلایل آن، تعظیم بزرگ مردانی است که در بنای توحید و فرهنگ خداپرستی تلاش کرده‌اند.

فلسفه تأکید و ترغیب و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام و ایجاد ارتباط و پیوند معنوی با سید شهیدان، زنده ماندن دین و عقیده، از طریق زیارت است و اینکه مسلمانان در این دیدار با امام خویش تجدید پیمان کنند و وفاداری خود را به راه آن حضرت اعلام نمایند. لذا همواره کربلا پایگاه شکل شیعه بود و دشمن از این جنبه سیاسی - انقلابی زیارت، که از معنویت مزور و مضامین تحویل‌آفرین و برانگیزاننده زیارتنامه‌ها نشئت می‌گیرد، وحشت داشت.

مرقد امام حسین علیه السلام در تاریخ، کانونی روشنی‌بخش برای زائران حسینی بوده است و مردم از طریق زیارت سالار شهیدان به حقانیت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پی برده‌اند و این شناخت به گسترش و رشد فرهنگ اسلامی و شیعی کمک مؤثری کرده و مزار امامان معصوم علیهم السلام را به دانشگاه علوم اسلامی و مرکز معرفت و عبادت و محل تجمع شیعیان و پایگاه حرکت‌های انقلابی آنان تبدیل کرده است.



## منابع و ماخذ

### \* قرآن کریم

۱. رهبر، محمدتقی و محمدحسن رحیمیان (۱۳۸۶). اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، نشر سمت.
۲. ابن طاوس (۱۴۱۴ق). اقبال الاعمال، تحقیق القیومی، قم، نشر الاسلامی.
۳. پناهی، علی احمد (۱۳۹۰). آرامش در پرتو نیایش، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۴. دوران، بهزاد (۱۳۸۳ش). آموزش و پرورش و گفتمان‌های نوین، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۷. امام حسن عسکری علیه السلام (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ایران، قم، مدرسه امام مهدی.
۸. نراقی، ملامهدی (۱۳۶۶). جامع السعادات، تهران، حکمت.
۹. افروز، غلامعلی، «حج چیست؟ حاجی کیست؟»، میقات حج، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
۱۰. احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰). حج در آینه روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۱. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۸۰). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، نشر امین.
۱۲. شهید ثانی، رسائل الشهدید، قم، بصیرتی، چاپ سنگی.
۱۳. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵). روانشناسی اجتماعی، تهران، آوای نور.
۱۴. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۷). روان‌شناسی پرورشی، تهران، نشر آگاه، چاپ نوزده.
۱۵. روزنامه قدس، «همه ما در دنیای پیچیده امروز نیازمند فضای معنوی مانند زیارت هستیم». ۸۲/۱۱/۱۵ گفت‌وگو با زهرا دلپذیر.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، زاد المعاد- مفتاح الجنان، تصحیح علاء‌الدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۱۸ق). الزهد، تحقیق و تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية، چاپ اول.
۱۸. ابن ابی‌الحدید (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه.
۱۹. رکنی، محمدمهدی (۱۳۷۹). شوق دیدار، پژوهش‌های تربیت اسلامی، قم، مرکز مطالعات تربیت

- اسلامی وابسته به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش). **الکافی**، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. برقی، ابن خالد (۱۳۲۶ش). **المحاسن**، به کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). **المزار الکبیر**، تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**، بیروت، آل البيت علیهم السلام.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **من لا یحضره الفقیه**، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی.
۲۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، **المؤمن**، قم، مؤسسه الإمام المهدی.
۲۶. باقری، خسرو (۱۳۸۶). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). **وسائل الشیعه**، قم، آل البيت علیهم السلام.
۲۸. کدیور، پروین (۱۳۸۷). **روان‌شناسی تربیتی**، تهران، نشر سمت.
۲۹. نیم‌کوف آگ برن (۱۳۸۰ش)، **زمینه جامعه‌شناسی**، ترجمه آریان پور، تهران، نگاه.
۳۰. فرهنگ، علی اکبر (۱۳۷۴ش). **ارتباطات انسانی**، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۳۱. شولتس، دوان (۱۳۸۵). **روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)**، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان.
۳۲. بی‌ریا و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴ش). **روان‌شناسی رشد**، تهران، سمت.
۳۳. رضائیان، علی (۱۳۹۱). **مدیریت رفتار سازمانی**، تهران، سمت.
۳۴. طباطبائی، سیدکاظم (۱۳۸۲). «پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه»، **مجله مطالعات اسلامی**، شماره ۶۲، ص ۱۱۱ - ۱۳۲.
۳۵. رهبر، محمدتقی و رحیمیان، محمد حسن (۱۳۸۰ش). **اخلاق و تربیت اسلامی**، تهران، سمت.
۳۶. محمد بن محمد، مکی (شهید اول) (۱۲۶۹ق). **الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیه**.
۳۷. حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۶۴). **بررسی کوتاهی پیرامون زیارت**، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۳۸. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶ش). **الغدیر**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.